



روزنامه نگار
حسین زیادت

بعد از حوادث ۹ و ۱۰دی ماه ۱۳۵۷مشهد و کشتار مردم و متعاقب آن گسترش اعتراضات مردمی در دیگر شهرهای کشور و اجماع جهانی برای رفتن شاه از ایران. وضعیت برای حکومت محمدرضا شاه پهلوی به شدت پیچیده می شود. شاه که حکومتش در حال سقوط است. به دنبال شخصی می گردد که امور را به دست بگیرد. بعد از مذاکره با چند نفر. نهایتا شاپور بختیار از اعضای شورای مرکزی جبهه ملی. با ارائه شرایط هفت گانه‌ای چون «شاه از کشور خارج شود و تعهد نماید که از این به بعد سلطنت ننماید و نه حکومت. انتخاب وزرا منحصر به خودش باشد. ساواک منحل شود. تبعید چهارده تن از نظامیان سرسخت از جمله غلامعلی اویسی. زندانیان سیاسی آزاد شوند. شرایط آزادی مطبوعات فراهم شود. بنیاد پهلوی به دولت منتقل شود و کمیسیون شاهنشاهی که در تمام امور دخالت می‌کند. حذف شود» می پذیرد که ریاست یک دولت غیرنظامی را برعهده گیرد. شاه با قبول همه شرایط. او را به نخست‌وزیری منصوب می‌کند. بختیار بعد از معرفی کابینه خود. در ۲۶ دی ۱۳۵۷ از مجلس رأی اعتماد می‌گیرد و دقایقی بعد. در ساعت ۱ بعدازظهر شاه و همسرش ایران را برای همیشه ترک می‌کنند. اینجاست که امام خمینی ^(۵) فراخوان برگزاری «همه پرسی خیابانی در ۲۹ دی ۱۳۵۷» را برای تعیین تکلیف سلطنت و دولت بختیار اعلام می‌کند و مردم شهرهای کشور از جمله مشهد آماده می شوند تا به خیابان ها بیایند. در خطوط زیر نگاهی داشته‌ایم به روزهای بعد از اعلام این فراخوان تا ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ که امام^(۵) به کشور برمی‌گرددند.

اعلامیه آیات عظام مشهد علیه برخورد‌های شخصی و سرق‌

در روزهای پس از ۹ و ۱۰ دی، حمله افراد ناشناس به وابستگان رژیم در استان خراسان و حتی قتل آن‌ها به شکل چشمگیری افزایش می‌یابد. در یکی از گزارش‌های ساواک که مربوط به جمعیت جلوی منزل آیت‌ا...سیدعبدا...شیرازی در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۵۷ است، چنین آمده است: «...عده‌ای از مردم در جلوی منزل آیت‌ا...شیرازی اجتماع و اظهار می‌داشتند آقا گفته پنجاه الی شصت نفر افسر و درجه‌دار کادر را بکشید تا بقیه حساب خود را بکنند و مجبور شوند دست کشیده و به ما ملحق شوند». دو کارشناس ساواک ذیل این گزارش چنین نظر داده‌اند: «نظریه شنبه، امکان صحت خبر وجود دارد» و «نظریه چهارشنبه، باتوجه به کشتن سرگرد افشین در بیمارستان شاهرضا و دو درجه‌دار دیگر امکان صحت خبر وجود دارد».

سرگرد اصغر افشین که نامش در این گزارش آمده، جمعی لشکر ۷۷ مشهد است که ساعت ۱۵:۳۰ روز ۲۳ آذر ۱۳۵۷ با لباس شخصی برای دیدار همسرش – که بهیار شاهرضا ست – به بیمارستان می‌رود اما توسط گروهی که ماشین‌ها را کنترل می‌کنند، تحت عنوان اینکه ساواکی است، به شکل فجیعی مضروب و کشته می‌شود. دو نفر درجه‌دار نیز به همین ترتیب جلو فروشگاه لشکر ۷۷ تنک می‌خورند و سوار ماشینی می‌شوند اما روز بعد جنازه دو نفرشان پشت ناحیه ژاندارمری در داخل رودخانه پیدا می‌شود.

۲۸ دی ۱۳۵۷، درست یک روز مانده به فراخوان خیابانی امام^(۵)، سیدعبدا...شیرازی و حسن طباطبایی قمی، آیات عظام مشهد، در اعلامیه‌های جداگانه‌ای که منتشر می‌کنند، به چنین برخوردهایی واکنش نشان می‌دهند.

آیت‌ا...شیرازی در اعلامیه خود ضمن اشاره به اینکه «مبارزات ملت ایران که در پرتو آموزش‌های اسلامی و با رهبری عناصر عالی قدر روحانیت آغاز گردیده و بحمدا... به پیروزی در مراحل اولیه نایل آمده تا پیروزی نهایی [و]ا ریشه‌کن کردن بقایای نظام خائن و قطع همه وابستگی‌های سیاسی و اقتصاد[ی] و ایجاد حکومت اسلامی ادامه خواهد داشت و تغییر مهره‌ها و چهره‌ها و دادن برخی امتیازات نمی‌تواند ملت و رهبرانش را از ادامه این مبارزه مقدس باز دارد» تذکراتی هم به انقلابیون می‌دهد از جمله اینکه «عموم برادران مسلمان باید بدانند که هیچ‌کس رأسا حق مجازات کسانی را که مجرم می‌پندارد ندارد. تشخیص مجرم و جنایت‌کار و تعیین چگونگی مجازات و اجرای آن فقط به عهده محاکم صلاحیت‌دار است که آن‌شاء... با روی کار آمدن حکومت اسلامی به همه مجرمیت‌ها و در دعاوی حقوقی و غیره رسیدگی خواهد شد.»

گسترش مبارزه به شهرها

فراخوان امام خمینی ^(۵) به استناد تلگراف وارده شماره ۲۳۰۷۴/۱۰۵ ساواک مشهد با حدود ۵۰۰هزار نفر اجابت می‌شود. در این تلگراف به گزارش مخبری به نام «کیوان» آمده است: «روز ۲۹/۱۰/۵۷ عده‌ای حدود ۵۰۰هزار نفر از جلوی منزل آیت‌ا...شیرازی حرکت و از مسیر خیابان‌های مشهد عبور و در خیابان تهران پس [از] اد[ای] نماز ظهر و سخنرانی دو نفر از روحانیون به نام هاشمی نژاد و خامنه‌ای، مردم به صورت پراکنده متفرق و اتفاق سونی رخ نداد. ضمنا قطعنامه‌ای داده‌مده‌ای توسط وعاط [واعظ] طبسی قرائت و بیان داشت مفاد این قطعنامه در تمام ایران یکسان است.» فعالیت‌های انقلابیون در مشهد اما به همین تظاهرات ختم نمی‌شود. آن‌ها از مدت‌ها قبل مبارزات خود را به خارج از مشهد و دیگر شهرهای استان نیز گسترش داده‌اند. در گزارشی که مربوط به همین روز (۲۹ دی ۱۳۵۷) است و از سازمان ضداطلاعات ژاندارمری کشور به تیمسار ریاست ساواک خراسان داده شده، چنین آمده است: «خبر رسیده حاکی است رهبری تظاهرنندگان قریه درود نیشابور را یک نفر غیرنظامی به نام پدا...باغشنی عهده‌دار بوده و به‌طور دائم مردم را علیه رژیم شاهنشاهی تحریک می‌نماید. در خبر اضافه گردیده شخص یادشده در مشهد خیابان گارازدارها دارای مجازه لوازم اتومبیل بوده و چندی قبل از طرف آیت‌ا...شیرازی مبالغی جهت ادامه تظاهرات به وی پرداخت تا هزینه گردد.» سازمان ضداطلاعات ژاندارمری کشور علاوه براین، گزارشی نیز درباره حجت‌الاسلام محمدباقرفرزانه داده و نوشته است: «غیرنظامی مذکور که شخصی معروف و بانفوذ می‌باشد همه شب از ساعت ۲۰ به بعد در مسجد جامع تربت حیدر به سخنرانی ضدملی ایراد و مردم را به آشوب و بلوای هرچه بیشتر دعوت می‌کند و علنا به کد ۶۶ توهین می‌نماید و هر روز به شهرهای مشهد، سبزوار، کتاباد مسافرت می‌نماید و شب پس از سخنرانی‌ها می متفاوت که همگی برعلیه امنیت کشور می‌باشد، مجددا به تربت حیدر به برمی‌گردد و در این شهر زندگی می‌کند».

مشهد، منتظر آمدن امام (ره)

متأسفانه گزارش‌های مستند بسیار کمی از روزهای نخست بهمن ۱۳۵۷ در مشهد وجود دارد. مشخص نیست کمبود چنین گزارش‌هایی به‌خاطر ازبین رفتن اسناد ساواک در روزهای بعدی است یا به‌ازهم‌باشیدن ساختارهای اطلاعاتی شهر و تخلیه و جابه جایی ساختمان ساواک مشهد در ۳۰ دی ۱۳۵۷ مربوط است. موضوع از این قرار است که مردمی که صبح ۳۰ دی از خیابان احمدآباد مشهد می‌گذرند، متوجه می‌شوند که تاابولوی درمانگاه ازبادی ساختمان ساواک نصب واین ساختمان تخلیه شده‌است. باوجوداین مختصر گزارش‌هایی به‌صورت تلفنگرام وجود دارد. از جمله گزارش یک سرق‌ مسلحانه بانک در همین روز که در ساعت ۴:۴۵ توسط مخبری به نام خدایرست داده شده‌است: «۱- ساعت ۹:۳۰ روز ۵۷/۱۰/۲۴ پنج نفر مسلح به اسلحه کمربی بالاگذاکش شبیه نقاب به بانک ایران وانگلیس در خیابان خسروی مشهد وارد. ضمن تهدید مبلغ ۴۲۵ هزار و ۶۸۰ ریال به سرق‌ت می‌برند. تحقیقات توسط مسئولین امر ادامه دارد. ۲- بازار مشهد باز و بانک‌ها. ادارات دولتی نیمه تعطیل می‌باشند و اوضاع مشهد به‌طورکلی نسبتا عادی می‌باشد.» تک‌گزارش‌های باقی مانده ساواک از هفته ابتدایی بهمن ۱۳۵۷ به (دگرپی بین عده‌ای از مخالفین و موافقین در نزدیکی مسجد قوجان (۲ بهمن)»، «اخلالگران تربت حیدر به (۴ بهمن)» و «وضعیت مشهد» در ۷ بهمن ۱۳۵۷ پرداخته است. بنا بر تلگراف‌های وارده بولتن وقایع، مشهد و مردمش در صبح ۷ بهمن منتظر ورود امام خمینی ^(۵) هستند.

در این سند آمده است: «از صبح روز جاری عده‌ای از طبقات مردم بنا به دعوت جامعه روحانیت در جلوی منزل شیرازی و خیابان تهران مبادرت به راهپیمایی آرام نمودند. تعداد راهپیمایان حدود ۵۰ هزار نفر و بدون هیچ حادثه‌ای ساعت ۱۳ پایان یافت. از طرف طبقات مردم شعارهایی بر پارچه به مناسبت ورود خمینی به ایران و علیه رژیم در خیابان‌های مشهد نصب شده. برابر اطلاع روز ۵۷/۱۷/۱ عده‌ای از تجار و افراد پول‌دار مبلغ زیادی که گفته می‌شود بالغ بر ۸۰ میلیون تومان است در اختیار آیت‌ا...شیرازی قرار داده‌اند.»

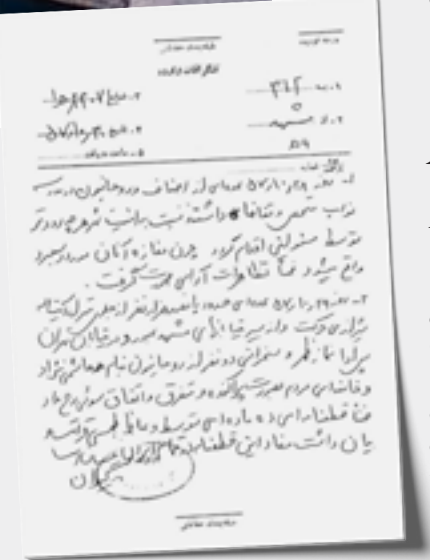
پارچه‌نوشته‌های مردم مشهد به این دلیل است که امام^(۵) در این روز (۳۰ دی ۱۳۵۷) با صدور پیامی از نوفل لوشاتو، خبر از بازگشت قریب‌الوقوع خود به ایران داده‌اند.

مشهد در روزهای منتهی به پیروزی

نگاهی به اتفاقات مشهد در روزهای منتهی به ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ و ورود امام خمینی(ره) به ایران



از سویی شرایط ویژه شهر باعث شده است که سارقان مشهد روزهای پرکار و شلوغی داشته باشند. میزان سرق‌ت‌ها چنان زیاد است که صاحبان برخی از اصناف ناچار می‌شوند شب‌ها در نزدیکی مغازه‌های خود نگهبانی بدهند و سارقان را خود دستگیر کنند، بااین حال فضای شهر همچنان ناامن است. به استناد تلگرافات وارده ۳۰ دی ۱۳۵۷ ساواک مشهد از وقایع روز ۲۸ دی، «عده‌ای از اصناف و روحانیون در مدرسه نواب متحصن و تقاضا داشتند نسبت به امنیت شهر هرچه زودتر توسط مسئولین اقدام گردد، چون مغازه آنان مورد دستبرد واقع می‌شود.» همین موضوع است که آیت‌ا...قمی، دیگر مرجع مبارز مشهد، نیز در اعلامیه همین روز خود، ضمن اشاره به افزایش سرق‌ت‌های مشهد، تذکر می‌دهد و می‌نویسد: «به‌هیچ‌وجه مردم نباید به خانه‌ها و مؤسسات مختلف اعم از دولتی و ملی حمله کنند و باعث تخریب و آتش سوزی و خسارت گردند یا درصدد انتقام‌گیری از پلیس و مأمورین انتظامی و ارتشی و کسانی ازاین‌قبیل برآیند... ما امیدواریم با رسیدن به هدف و به‌تمرسیدن نهضت که بسیار نزدیک است، بسیاری از خصومت‌ها به‌خودی خود رفع شود و روح برادری و مودت میان همه افراد ملت برقرار گردد و چنانچه کسانی مستحق مجازات باشند، منحصرا پس از به ثبوت رسیدن جرم در محاکم صالحه اسلامی توسط مقامات ذی صلاحیت مجازات خواهند شد.» او پیامش را با این جملات پایان می‌دهد: «مبارزه ما اسلامی است و باید در تمام مراحل مطابق مقررات و موازین اسلام پیش برود. در اسلام جان و مال مردم محترم است و به‌مجرد سوءظن یا از باب انتقام گرفتن، تعدی و تجاوز به دیگران جایز نیست.»



اولین مسئولان انقلابی شهرها



شیخ محمدتقی مطهری در یکی از راهپیمایی‌های ۱۳۵۷ فریمان، روحانی دوم از چپ

البته موضوع فقط و فقط به رهبری تظاهرات و سخنرانی‌ها خلاصه نمی‌شود؛ در برخی‌جاها –از جمله در فریمان– کار خیلی جلوتر رفته و تا تعیین مسئولان بعدی شهر نیز رسیده‌است. در گزارشی که دایره اطلاعات ژاندارمری کشور ابهمن ۱۳۵۷ با موضوع «فعالیت اخلالگران» به تیمسار ریاست ساواک خراسان داده، چنین آمده است: «گزارش ناحیه خراسان مستند به

اعلام شهربانی گویاست. شیخ محمدتقی مطهری در جلسه‌ای که در منزلش تشکیل داده، عده‌ای از اهالی شرکت داشته‌اند، ضمن سخنرانی بیان نموده آخرین روزهای زندگی رژیم و دولت می‌باشد و تعدادی از مخالفین را به سمت‌هایی به‌شرح زیر تعیین و اظهار داشتند که این اشخاص پس از تغییر رژیم، امور دستگاه‌های دولتی شهر فریمان را عهده‌دار خواهند شد.

۱. شیخ محمدتقی مطهری، قاضی القضا‌ت،
۲. حاج محمد جهانی، بخشدار،
۳. غلام محمد غلامی (محکم‌کار)، فرمانده گروهان ژژاندارمری؛
۴. علی اکبر خاتونی مقدم، رئیس شهربانی؛
۵. ابوتراب شریفی، شهردار؛
۶. غلامرضا صادقی، رئیس مخابرات؛
۷. غلامعلی طاهرینا، رئیس کشاورزی؛
۸. رضا شفاهی، معروف به شاه حسین، رئیس پاسگاه مرکزی ژاندارمری؛
۹. سرپاسیان یاسمنی، رئیس آموزش و پرورش ابتدایی؛
۱۰. تعدادی از جوانان که اکثر بچه‌های خود و برادرش هستند، مأمور انتظامی.»

شیخ محمدتقی مطهری که در این گزارش آمده، برادر کوچک آیت‌ا...مرتضی مطهری، شاگرد برجسته امام خمینی ^(۵) است. آیت‌ا...مرتضی مطهری دو هفته بعد از آنکه امام در ۱۴ مهر ۱۳۵۷ در پاریس (نوفل لوشاتو) مستقر می‌شود، به دیدار ایشان می‌رود و پیغام مهمی را به کشور می‌آورد که همان «تشکیل شورای انقلاب» است. این شورا که خود مطهری از اعضای مؤسس آن است، وظیفه تعیین و تشکیل ساختارهای نظام آینده کشور را برعهده دارد، ازاین‌رو می‌نظر می‌رسد اقدام برادر کوچکش در شهر فریمان، یکی از تصمیمات «شورای انقلاب» برای شهرهای استان خراسان باشد که به‌واسطه پیوند خانوادگی این دو پیش از هر شهر دیگری از جمله مشهد، در فریمان شکل گرفته است که زادگاه و پایگاه خانواده مطهری است.

امام (ره) آمد

در نهایت عصر چهارشنبه، ۱۱ بهمن ۱۳۵۷، حجت‌الاسلام هاشمی نژاد پس از تماس با پاریس اعلام می‌کند که بنابر آخرین خبر حضرت آیت‌ا...العظمی امام خمینی ساعت یک‌ونیم بماداد صبح پنجشنبه (موافق با ساعت ۱۱ به وقت پاریس) به‌سوی تهران پرواز خواهند کرد. این مذاکره به‌عنوان مژده به حضار تلقی می‌شود ولی پس از مذاکره با روحانیان دیگر قرار می‌شود که تحصن علمای مشهد تا ورود امام به فرودگاه مهرآباد ادامه پیدا‌کند.

گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۳۴ ساواک مشهد که براساس گزارش‌های فرمانداری نظامی و اطلاعاتیه‌های واسله از منابع خبری تهیه شده است، وضعیت مشهد را در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ این‌طور شرح می‌دهد: «۱- اخلالگران مشهد در اتومبیل‌های بدون شماره تردد و به‌طرف مردم تیراندازی می‌کنند، ۲- ساعت ۸، به مناسبت سومین روز حادثه مشهد، تعدادی در حدود ۱۰ هزار نفر از اهالی مشهد در مسجد گوهرشاد اجتماع و شیرازی و قمی در این اجتماع شرکت داشتند. سخنرانان از مردم خواستند بدون انجام تظاهرات به منازل خود برگردند. این مجلس ساعت ۱۲:۳۰ پایان یافت. ۳- بستانان افراد کشته‌شده حادثه مشهد به بیمارستان مراجعه و اجساد را تحویل می‌گیرند و بدون تشریفات در مراسم‌ها^(۶) به خاک می‌سپارند. ۴- مغازه‌ها، ادارات دولتی و بانک‌ها در مشهد تعطیل بود. ۵- در چند روز اخیر حدود ۲۰۰ هزار نفر –اعم از زوار و بومی– شهر مشهد را ترک گفته‌اند.»

این گزارش اگرچه از ساعت صفر تا ۲۴ روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ را شامل می‌شود، اما مهم‌ترین خبر مشهد، ایران و حتی جهان رادر خود نیاورده است؛ اینکه هوایمای امام^(۵) در ساعت ۹:۲۷ دقیقه صبح ۱۲ بهمن در فرودگاه مهرآباد به زمین نشست.